



A Jurisprudential Reappraisal of the Standard of Judicial Knowledge and the Possibility of Its Alignment with the Beyond Reasonable Doubt Standard in English Law

Atefeh Mirzaei Souraki^{1*}, Meysam Neamatollahi², Morteza Sadeghi Deh-Sahraei³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 87-106

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989131021564

Email: N.maysam@iaau.ac.ir

Article History:

Received: 22 Jul 2024

Revised: 18 Aug 2024

Accepted: 29 Aug 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Judicial Knowledge, Beyond a Reasonable Doubt, Imamiyyah Jurisprudence, English Law, Presumption of Innocence.

ABSTRACT

Judicial knowledge constitutes one of the most significant means of proving criminal offenses in Iran's criminal justice system. Its foundations are rooted in Imamiyyah jurisprudence, particularly in the inherent authority of certainty, the necessity of discovering the truth, and the judge's duty to administer justice. The Islamic Penal Code defines judicial knowledge as certainty derived from clear and demonstrable evidence. Nevertheless, ambiguity surrounding the concept of certainty, its distinction from strong suspicion and personal conviction, the limits of knowledge derived from circumstantial and scientific evidence, and the reviewability of judgments based on judicial knowledge may lead to the subjectivization of the standard of proof and inconsistent decisions in similar cases. Employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study re-examines the jurisprudential foundations of judicial knowledge and evaluates the possibility of comparing it with the "beyond a reasonable doubt" standard under English law. The findings demonstrate that, despite their different origins, structures, and legal functions, judicial knowledge and the beyond-a-reasonable-doubt standard share fundamental features, including the requirement of rational conviction, the protection of the presumption of innocence, and the prevention of convictions based on suspicion or insufficient evidence. Moreover, the presumption of innocence, the rule of dar', the prohibition against adjudication based on conjecture, and the principle of caution in matters concerning life, sexual integrity, and reputation provide sufficient jurisprudential grounds for restricting the judge's personal knowledge and functionally adopting the requirement to eliminate reasonable doubt. The study concludes that the English standard may be employed as a supplementary criterion for assessing the sufficiency of judicial certainty without replacing judicial knowledge. Such an application requires verification of the reliability of evidence, examination of reasonable alternative hypotheses, a reasoned response to existing doubts, and a clear explanation of the grounds upon which judicial knowledge has been formed. This comparative approach may enhance the transparency, predictability, and reviewability of criminal judgments.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Mirzaei Souraki, A; Neamatollahi, M & Sadeghi Deh-Sahraei, M (2024). "A Jurisprudential Reappraisal of the Standard of Judicial Knowledge and the Possibility of Its Alignment with the Beyond-Reasonable-Doubt Standard in English Law". *Journal of International Criminal Law*, 2(3): 87-106.



انجمن عالی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق برای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق برای بین الملل

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

بازخوانی فقهی معیار علم قاضی و امکان تطبیق با قاعده فراتر از شک معقول در حقوق انگلستان

عاطفه میرزایی سورکی^{۱*}، میثم نعمت‌الهی^۲، مرتضی صادقی ده صحرائی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده

علم قاضی یکی از مهم‌ترین ادله اثبات جرم در نظام کیفری ایران است که مبانی آن در فقه امامیه و به‌ویژه حجیت قطع، ضرورت کشف حقیقت و تکلیف قاضی به اجرای عدالت ریشه دارد. قانون مجازات اسلامی نیز علم قاضی را یقین حاصل از مستندات بین دانسته است؛ با این حال، ابهام در مفهوم یقین، تمایز آن از ظن قوی و اطمینان شخصی، حدود اعتبار علم حاصل از قرائن و ادله علمی و میزان نظارت‌پذیری آراء مبتنی بر آن، زمینه ذهنی‌شدن معیار اثبات و صدور تصمیم‌های متفاوت در پرونده‌های مشابه را فراهم کرده است. در حقوق انگلستان، معیار "فراتر از شک معقول" به‌عنوان استاندارد اثبات در امور کیفری، مقام تعقیب را مکلف می‌سازد مجرمیت متهم را به‌گونه‌ای اثبات کند که تردیدی عقلایی درباره تحقق عناصر جرم باقی نماند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، ضمن بازخوانی مبانی فقهی علم قاضی، ظرفیت تطبیق آن را با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که علم قاضی و معیار "فراتر از شک معقول"، با وجود تفاوت در خاستگاه، ساختار و جایگاه حقوقی، از حیث ضرورت دستیابی به اقتناع عقلایی، حمایت از اصل برائت و جلوگیری از محکومیت مبتنی بر ظن و ادله ناکافی، اشتراکات اساسی دارند. همچنین، اصل برائت، قاعده در، منع حکم بر پایه ظن و احتیاط در دماء، فروج و اعراض، ظرفیت فقهی لازم را برای محدودکردن علم شخصی و پذیرش کارکردی معیار رفع شک معقول فراهم می‌کنند. نتیجه پژوهش آن است که معیار انگلیسی مزبور می‌تواند بدون جایگزینی علم قاضی، به‌عنوان ضابطه‌ای تکمیلی برای سنجش کفایت یقین قضایی به‌کار رود. این تطبیق مستلزم احراز اعتبار ادله، بررسی فرضیه‌های جایگزین، پاسخ به تردیدهای عقلایی و بیان مستدل جهات حصول علم در رأی است و می‌تواند شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت‌پذیری آراء کیفری را تقویت کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۷-۱۰۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۳۱۰۲۱۵۶۴

ایمیل: N.maysam@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

علم قاضی، فراتر از شک معقول، فقه امامیه، حقوق انگلستان، اصل برائت.



مقدمه

اثبات جرم یکی از بنیادی‌ترین ارکان دادرسی کیفری و از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت قضایی، حمایت از حقوق متهم و پیشگیری از محکومیت اشخاص بی‌گناه است. اعمال مجازات، به‌ویژه مجازات‌هایی که آزادی، حیثیت، جان یا اموال اشخاص را تحت تأثیر قرار می‌دهند، زمانی مشروع خواهد بود که وقوع جرم و انتساب آن به متهم بر پایه ادله معتبر و در فرایندی منصفانه احراز شده باشد. در نظام حقوق کیفری ایران، «علم قاضی» در کنار اقرار، شهادت، قسامه و سوگند، یکی از ادله اثبات جرم شناخته می‌شود. مطابق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. از این‌رو، مقصود از علم قاضی، احساس شخصی، حدس، گمان یا برداشت ذهنی دادرس نیست، بلکه یقینی است که از ارزیابی مجموعه ادله، قرائن و امارات موجود در پرونده حاصل می‌شود و منشأ آن باید در رأی قضایی به‌صورت روشن و مستدل بیان گردد. چنین برداشتی از علم قاضی، ضمن کمک به کشف حقیقت، زمینه ارزیابی و نظارت بر چگونگی شکل‌گیری یقین قضایی را نیز فراهم می‌سازد (یارخانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۳). با وجود این، اعتبار علم قاضی در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، به معنای اعطای آزادی نامحدود به قاضی برای استناد به باورهای شخصی، اطلاعات خارج از پرونده یا برداشت‌های غیرقابل ارزیابی نیست.

صاحب جواهر در کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، در مباحث قضا و ادله اثبات، علم معتبر را علمی می‌داند که برای قاضی به‌صورت واقعی و از مقدمات قابل اعتماد حاصل شده باشد و صدور حکم بر پایه ظن و گمان را با موازین قضا سازگار نمی‌شمارد. افزون بر حجیت قطع، قواعدی مانند اصاله البراءة، قاعده درء و اصل احتیاط در دماء، فروج و اعراض، حدود استناد به علم قاضی را مشخص می‌کنند. بر پایه این قواعد، هرگاه درباره وقوع جرم، انتساب رفتار به متهم یا اعتبار ادله، شبهه‌ای عقلایی باقی بماند، صدور حکم محکومیت از پشتوانه کافی برخوردار نخواهد بود. بنابراین، مبانی فقهی از یک‌سو علم قاضی را به‌عنوان ابزاری برای کشف حقیقت می‌پذیرند و از سوی دیگر، با منع حکم بر پایه ظنون

شخصی و الزام به احتیاط، از تبدیل آن به وسیله‌ای برای تصمیم‌گیری سلیقه‌ای جلوگیری می‌کنند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵۶/۴۱).

اهمیت تعیین میزان و کیفیت یقین لازم برای محکومیت، در مقایسه با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان آشکارتر می‌شود. در این نظام حقوقی، محکومیت کیفری زمانی موجه است که ادله ارائه‌شده از سوی مقام تعقیب، تصمیم‌گیرنده قضایی را به سطحی از اطمینان برساند که تردیدی معقول درباره مجرمیت متهم باقی نماند. مقصود از این معیار، دستیابی به یقین ریاضی، فلسفی یا مطلق نیست؛ زیرا در بیشتر پرونده‌های کیفری، حذف تمام احتمالات ذهنی و فرض‌های دور امکان‌پذیر نیست. آنچه اهمیت دارد، تحقق سطحی از اقناع عقلایی است که بر اساس آن، تردیدهای مبتنی بر منطق و شواهد واقعی برطرف شده باشند. اگرچه علم قاضی در حقوق ایران و معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان از حیث خاستگاه، ساختار و جایگاه حقوقی یکسان نیستند، هر دو در پی جلوگیری از محکومیت بر پایه ظن، احتمال و ادله ناکافی‌اند. با این حال، علم قاضی در نظام ایران یکی از ادله قانونی اثبات جرم محسوب می‌شود، درحالی‌که "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، استاندارد نهایی سنجش کفایت مجموعه ادله برای صدور حکم محکومیت است (Ambos & Lee, 2025: 263).

قانون‌گذار ایران با الزام قاضی به ذکر مستندات علم در رأی، تلاش کرده است میان اختیار قضایی در ارزیابی ادله و ضرورت نظارت‌پذیری تصمیم‌های کیفری تعادل برقرار کند. با این حال، صرف فهرست‌کردن گزارش ضابطان، نظریه کارشناسی، اظهارات شهود یا سایر قرائن، برای اثبات تحقق علم قضایی کافی نیست. رأی باید نشان دهد که هر دلیل از چه میزان اعتبار برخوردار بوده، تعارض میان ادله چگونه برطرف شده، قرائن موجود چه ارتباطی با عناصر جرم داشته‌اند و چرا فرضیه‌های جایگزین یا دلایل مؤید بی‌گناهی متهم کنار گذاشته شده‌اند. این ضرورت در پرونده‌هایی که بر ادله غیرمستقیم، داده‌های الکترونیکی، نظریه‌های تخصصی، تصاویر، فایل‌های صوتی یا شهادت‌های متعارض استوارند،

اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا پیچیدگی فنی یا کثرت ظاهری ادله ممکن است بدون ایجاد یقین واقعی، به شکل‌گیری اطمینان کاذب در ذهن قاضی منجر شود. از این‌رو، اعتبار علم قاضی تنها به وجود مستندات وابسته نیست، بلکه کیفیت استدلال، قابلیت آزمون نتیجه و پاسخ‌گویی رأی به تردیدهای عقلایی نیز در مشروعیت آن مؤثر است. این ویژگی، علم قاضی را به معیار انگلیسی "فراتر از شک معقول" نزدیک می‌کند؛ زیرا در هر دو، صرف باور درونی تصمیم‌گیرنده برای محکومیت کافی نیست (Bown, 2022: 43).

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی بیشتر به مبانی فقهی علم قاضی، جایگاه آن در قانون مجازات اسلامی، امکان تعارض آن با سایر ادله و نقش آن در کشف حقیقت پرداخته‌اند. در مقابل، مطالعات خارجی عمدتاً معیار "فراتر از شک معقول" را از منظر معرفت‌شناسی، احتمال، توجیه باور قضایی و خطر محکومیت ناروا بررسی کرده‌اند. با وجود ارزش این پژوهش‌ها، در بخش مهمی از آن‌ها میان سه مفهوم متفاوت، یعنی «علم قاضی به‌عنوان دلیل اثبات»، «اقتناع قضایی به‌عنوان فرایند ذهنی تصمیم‌گیری» و «استاندارد اثبات لازم برای صدور حکم محکومیت» تفکیک دقیقی صورت نگرفته است. همچنین، کمتر پژوهشی با رویکردی تطبیقی کوشیده است ظرفیت قواعد فقه امامیه را برای هماهنگی با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان بررسی و ضابطه‌ای عینی، مستدل و نظارت‌پذیر برای سنجش یقین قضایی ارائه کند. این خلأ در شرایطی اهمیت دارد که تعدد ظاهری ادله یا بالا بودن احتمال ارتکاب جرم، لزوماً به معنای رفع شک معقول نیست و ممکن است با وجود ظن قوی، همچنان توضیحی منسجم و عقلایی برای بی‌گناهی متهم وجود داشته باشد (Jellema, 2024: 451).

بر این اساس، مقاله حاضر با ماهیتی فقهی-حقوقی و رویکردی تطبیقی، به بازخوانی فقهی معیار علم قاضی و بررسی امکان تطبیق آن با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه منابع فقه امامیه، مقررات کیفری ایران، منابع حقوق انگلستان و مطالعات جدید مرتبط با

حقوق و معرفت‌شناسی اثبات گردآوری شده‌اند. مسأله اصلی آن است که علم قاضی تحت چه شرایطی می‌تواند به سطحی از یقین معتبر برسد که صدور حکم محکومیت را توجیه کند و چه میزان هم‌پوشانی میان این معیار و استاندارد "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان وجود دارد. فرض بنیادین پژوهش آن است که اگرچه علم قاضی و معیار انگلیسی مزبور از نظر ماهیت و جایگاه حقوقی متفاوت‌اند، می‌توان با اتکا به حجیت قطع، اصل برائت، قاعده درء احتیاط در مجازات و ضرورت استدلال‌پذیری رأی، میان کارکردهای آن‌ها هماهنگی برقرار کرد. علم قاضی تنها زمانی می‌تواند مبنای مشروع محکومیت قرار گیرد که از مستندات معتبر و قابل ارزیابی حاصل شده باشد، فرضیه‌های جایگزین معقول و دلایل مؤید بی‌گناهی را پاسخ دهد و جهات حصول آن به‌گونه‌ای در رأی بیان شود که امکان اعتراض و نظارت مؤثر فراهم گردد. چنین تطبیقی می‌تواند ضمن حفظ مبانی فقهی علم قاضی، از شخصی‌شدن یقین قضایی جلوگیری کرده و حمایت مؤثرتری از اصل برائت و حقوق دفاعی متهم به عمل آورد (Ho, 2021: 146).

۱- مبانی مفهومی و فقهی معیار علم قاضی

علم قاضی در نظام کیفری ایران مفهومی صرفاً روان‌شناختی یا مبتنی بر برداشت شخصی دادرس نیست، بلکه نتیجه فرایندی عقلایی و مستند در ارزیابی ادله و قرائن پرونده است. این مفهوم از یک‌سو ریشه در مبانی فقه امامیه، به‌ویژه حجیت قطع، کاشفیت علم از واقع و وظیفه قاضی در اجرای عدالت دارد و از سوی دیگر، در قوانین کیفری ایران به‌عنوان یکی از ادله اثبات جرم شناسایی شده است. با این حال، اعتبار علم قاضی مطلق نیست و باید در پرتو اصل برائت، قاعده درء منع حکم بر پایه ظن و لزوم احتیاط در امور کیفری تحلیل شود. از این‌رو، بررسی معیار علم قاضی مستلزم تفکیک میان یقین قضایی، اطمینان شخصی و ظن قوی، همچنین تعیین منشأ معتبر حصول علم و حدود قابلیت استناد به آن است. این بخش با تبیین مفهوم، مبانی حجیت و قواعد محدود‌کننده علم قاضی، زمینه لازم را برای مقایسه آن با معیار "فراتر از شک معقول" فراهم می‌سازد.

۱-۱- مفهوم علم قاضی و قلمرو اعتبار آن در فقه امامیه

علم قاضی از مفاهیم بنیادین نظام اثبات کیفری ایران است که در نقطه تلاقی فقه امامیه، حقوق کیفری و نظریه‌های معاصر اثبات قرار دارد. در معنای حقوقی، علم قاضی عبارت از یقینی است که مرجع قضایی از بررسی دلایل، قرائن، امارات و اوضاع و احوال مرتبط با پرونده به دست می‌آورد و بر پایه آن، وقوع جرم یا انتساب رفتار مجرمانه به متهم را احراز می‌کند. بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی «یقین حاصل از مستندات بین» در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. این تعریف نشان می‌دهد که علم قاضی با برداشت شخصی، حدس، گمان یا اطمینان فاقد پشتوانه تفاوت دارد و تنها هنگامی دارای ارزش اثباتی است که منشأ آن روشن، قابل بیان و در معرض ارزیابی قضایی باشد. در نتیجه، علم قاضی نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه نتیجه فرایندی استدلالی است که باید از پیوند منطقی میان مستندات پرونده و نتیجه نهایی رأی حکایت کند (یارخانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۳).

در فقه امامیه، علم در اصل به ادراک یقینی و کشف تام از واقع اطلاق می‌شود. هنگامی که شخص به چیزی علم پیدا می‌کند، از منظر اصولی نمی‌تواند بر خلاف آن عمل کند؛ زیرا حجیت قطع، ذاتی دانسته شده و نیازمند جعل و اعتبار مستقل شارع نیست. با این حال، انتقال این قاعده اصولی به حوزه قضا با محدودیت‌ها و شرایطی همراه است. قاضی در مقام رسیدگی، تنها درباره حقوق و آزادی‌های شخصی خود تصمیم نمی‌گیرد، بلکه رأی او می‌تواند به سلب آزادی، مال، حیثیت یا حتی حیات دیگری منجر شود. از این رو، علم قضایی باید افزون بر یقین شخصی، از منشأی عقلایی، متعارف و قابل نظارت برخوردار باشد. شیخ انصاری در کتاب «فرائد الاصول»، در بحث حجیت قطع، بر این نکته تأکید می‌کند که قطع به‌خودی خود حجت است؛ اما مقدماتی که به شکل‌گیری آن می‌انجامند، ممکن است از حیث عقلایی یا شرعی محل ارزیابی قرار گیرند. بر این اساس، هر اطمینان درونی را نمی‌توان علم معتبر قضایی دانست، بلکه مقدمات و منشأ حصول آن نیز باید قابل دفاع باشند (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۲۹).

محقق حلی در کتاب «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام»، ضمن بررسی شرایط قضا و شیوه‌های اثبات دعوا، علم قاضی را در کنار سایر طرق اثباتی تحلیل می‌کند. از مباحث وی می‌توان دریافت که حکم قضایی باید بر پایه امری استوار باشد که برای حاکم شرع، کاشفیت معتبر از واقع ایجاد کند. با این حال، در قلمرو جرائم و مجازات‌ها، صرف قوت احتمال یا ظن غالب برای صدور حکم کافی نیست و قاضی باید از مستنداتی برخوردار باشد که او را از تردید مؤثر خارج سازند. این رویکرد با اصل کلی منع حکم بر پایه ظن و ضرورت احتیاط در امور کیفری هماهنگ است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۴/ ۷۱).

صاحب جواهر نیز در کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، در مباحث قضا، علم قاضی را از حیث قابلیت کشف واقع مورد توجه قرار داده و میان علم واقعی و باور ناشی از مقدمات نامعتبر تفکیک می‌کند. از دیدگاه وی، اعتبار علم در قضا به آن معنا نیست که هر تصور یا اطمینان شخصی قاضی بتواند منشأ صدور حکم قرار گیرد؛ بلکه علم باید به‌گونه‌ای باشد که عرف عقلاً نیز منشأ و قدرت کاشفیت آن را بپذیرند. اگر یقین قاضی از اطلاعات پنهانی، روابط شخصی، پیش‌داوری یا اموری خارج از پرونده حاصل شده باشد، طرفین امکان مناقشه و دفاع در برابر آن را نخواهند داشت و چنین وضعیتی با لزوم استماع دفاع و رعایت عدالت قضایی ناسازگار است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱/ ۳۵۶). بر این اساس، قلمرو اعتبار علم قاضی را باید به علمی محدود کرد که اولاً از مستندات موجود در فرایند رسیدگی حاصل شده باشد؛ ثانیاً منشأ آن برای طرفین قابل شناسایی باشد؛ ثالثاً ارتباط منطقی میان مستندات و نتیجه رأی وجود داشته باشد؛ و رابعاً قاضی بتواند جهات حصول آن را به‌صورت مستدل بیان کند. الزام قانونی به ذکر مستندات علم در رأی، انعکاس همین رویکرد است. علم قاضی بدون بیان منشأ و فرایند استنتاج، از یک دلیل قضایی به ادعایی اثبات‌ناپذیر تبدیل می‌شود و امکان کنترل آن در مراحل تجدیدنظر و فرجام از میان می‌رود. از این رو، استنادپذیری، استدلال‌پذیری و نظارت‌پذیری را باید سه عنصر اساسی قلمرو اعتبار علم قاضی دانست.

بسنجد. از این جهت، علم قاضی ابزار جمع‌بندی و ارزیابی نهایی ادله نیز محسوب می‌شود و نباید آن را صرفاً دلیلی در عرض سایر دلایل تلقی کرد.

موسوی اردبیلی در کتاب «فقه القضاء»، علم قاضی را در ارتباط با وظیفه کشف واقع و اجرای حکم شرعی بررسی کرده است. مطابق این دیدگاه، قاضی نمی‌تواند به دلیل شکلی استناد کند که خلاف آن برای وی به‌طور یقینی ثابت شده است؛ زیرا نتیجه چنین اقدامی، صدور آگاهانه حکم خلاف واقع خواهد بود. با این حال، وی اعتبار علم را به حصول واقعی یقین و وجود منشأ قابل اعتماد وابسته می‌داند. بنابراین، علم قاضی زمانی نقش مشروع در اثبات جرم ایفا می‌کند که از یک سو مانع اسارت قضاوت در قالب‌های خشک اثباتی شود و از سوی دیگر، به آزادی بی‌ضابطه در ارزیابی ادله نینجامد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق: ۲۱).

نقش علم قاضی در اثبات جرائم را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد. در سطح نخست، برخی ادله قانونی مانند اقرار و شهادت، ممکن است مستقیماً شرایط مقرر برای اثبات جرم را داشته باشند. در این موارد، علم قاضی بیشتر در ارزیابی صحت، اختیار، اعتبار و شرایط دلیل نقش دارد. برای مثال، قاضی باید اطمینان حاصل کند که اقرار تحت اجبار، اکراه یا شکنجه صورت نگرفته و شاهد نیز واجد شرایط قانونی است. در سطح دوم، مستندات مانند نظریه کارشناسی، گزارش ضابطان، معاینه محل، داده‌های الکترونیکی و قرائن رفتاری، مستقلاً دلیل شرعی خاص محسوب نمی‌شوند، اما می‌توانند موجب شکل‌گیری علم قاضی شوند. در سطح سوم، قاضی از مجموعه‌ای از دلایل مستقیم و غیرمستقیم، تصویری منسجم از واقعه به دست می‌آورد و بر اساس ارزیابی کلی آن‌ها به یقین می‌رسد. این کارکرد ترکیبی علم قاضی، در جرائمی که معمولاً در خفا واقع می‌شوند یا دلیل مستقیم در دسترس نیست، اهمیت ویژه‌ای دارد. جرائم سازمان‌یافته، جرائم مالی، خشونت‌های خانگی، جرائم رایانه‌ای و بسیاری از جرائم منافی عفت، اغلب با مجموعه‌ای از قرائن و شواهد غیرمستقیم اثبات می‌شوند. با این حال، دشواری اثبات نمی‌تواند موجب کاهش استاندارد لازم برای محکومیت شود. در بررسی چالش‌های اثبات خشونت‌های

همچنین باید میان علم قاضی به‌عنوان دلیل قانونی و دانش تخصصی قاضی تفاوت گذاشت. دانش حقوقی، تجربه قضایی یا آگاهی قاضی از موضوعات عمومی، ابزارهایی برای ارزیابی ادله‌اند؛ اما نمی‌توانند مستقلاً جایگزین دلیل شوند. برای نمونه، آشنایی قاضی با جرائم رایانه‌ای یا پزشکی قانونی، او را در فهم نظریه کارشناس یاری می‌کند، ولی مجاز نیست بر پایه دانش شخصی و بدون طرح موضوع در فرایند دادرسی، نظریه تخصصی مستقلاً را مبنای حکم قرار دهد. این تمایز در پرونده‌های متکی بر ادله الکترونیکی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا اعتبار داده‌های دیجیتال به احراز اصالت، تمامیت و قابلیت انتساب آن‌ها وابسته است و صرف مشاهده یک تصویر یا پیام برای حصول علم معتبر کفایت نمی‌کند (قرایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴۵).

۲-۱- مبانی حجیت علم قاضی و نقش آن در اثبات جرم

مهم‌ترین مبنای فقهی حجیت علم قاضی، حجیت ذاتی قطع است. در علم اصول، قطع حالتی است که واقع را برای شخص آشکار می‌سازد و عقل، عمل بر خلاف آن را روا نمی‌داند. هنگامی که قاضی واقعا به وقوع جرم و انتساب آن به متهم علم پیدا می‌کند، نادیده گرفتن این علم و صدور حکم بر خلاف آن با وظیفه کشف حقیقت تعارض خواهد داشت. علامه حلی در کتاب «قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام»، در مباحث قضا و شهادات، علم را از حیث کاشفیت، برتر از دلایلی می‌داند که تنها از اعتبار تعبدی برخوردارند. بینه، اقرار و سوگند در مواردی ممکن است برای قاضی یقین واقعی ایجاد نکنند، اما قانون یا شرع آثار دلیل را بر آن‌ها مترتب سازد؛ درحالی که علم معتبر، به‌طور مستقیم واقع را برای قاضی آشکار می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۳/۴۳۱). با این حال، حجیت علم قاضی فقط از قاعده حجیت قطع ناشی نمی‌شود، بلکه وظیفه قاضی در فصل خصومت، اجرای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق نیز از آن حمایت می‌کند. اگر قاضی از مجموعه قرائن معتبر، گزارش‌های کارشناسی، اظهارات هماهنگ شهود و سایر مستندات به یقین برسد، محدود کردن او به یک دلیل شکلی خاص ممکن است به صدور رأی خلاف واقع منجر شود. پذیرش علم قاضی، انعطاف لازم را برای ارزیابی مجموعه ادله فراهم می‌سازد و به دادگاه اجازه می‌دهد ارزش هر دلیل را در ارتباط با سایر شواهد

نتوانند تردید عقلایی را برطرف کنند، زیان ناشی از خطا باید به نفع متهم توزیع شود و دادگاه از محکومیت خودداری کند.

امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله»، در مباحث قضا و حدود، بر لزوم رعایت احتیاط در موارد مرتبط با جان، عرض و مجازات اشخاص تأکید می‌کند. از این دیدگاه، علم قاضی زمانی می‌تواند بر اصل برائت غلبه کند که به درجه‌ای از استحکام رسیده باشد که احتمال خلاف، صرفاً وهمی و غیرعقلایی محسوب شود. در صورت بقای شبهه مؤثر، اصل برائت و احتیاط مانع اجرای مجازات خواهد بود (امام خمینی، ۱۴۲۷ق: ۲/۴۹۷).

قاعده درء نیز از مهم‌ترین مبانی تحدید استناد به علم قاضی است. مفاد مشهور «الحدود تدرأ بالشبهات» بیانگر آن است که وجود شبهه مؤثر، مانع اجرای حدود و مجازات‌های سنگین می‌شود. هرچند درباره قلمرو و مستندات این قاعده میان فقها بحث‌هایی وجود دارد، فلسفه آن بر ترجیح احتیاط و جلوگیری از مجازات ناروا استوار است. قاعده درء اقتضا می‌کند که قاضی تنها به دلایل مؤید اتهام توجه نکند، بلکه شواهد مخالف، تعارض‌ها، خلأهای موجود و فرضیه‌های بدیل را نیز بررسی نماید. یقین قضایی زمانی معتبر است که پس از آزمون فرضیه‌های جایگزین و پاسخ به تردیدهای عقلایی حاصل شده باشد، نه آنکه از گزینش یک‌جانبه ادله ناشی شود.

حر عاملی در کتاب «وسائل الشیعه»، در ابواب مربوط به قضا و حدود، روایات متعددی را درباره منع شتاب در مجازات، ضرورت رعایت احتیاط و توجه به شبهه گردآوری کرده است. مجموعه این روایات نشان می‌دهد که غایت دادرسی کیفری فقط کشف و مجازات مجرم نیست، بلکه جلوگیری از محکومیت بی‌گناهان نیز هدفی اساسی محسوب می‌شود. بر همین اساس، قاضی نباید ابهام، تعارض یا نقص دلیل را با اطمینان ذهنی خود جبران کند؛ زیرا نتیجه چنین رویکردی، تبدیل علم قاضی از ابزار کشف حقیقت به وسیله‌ای برای پوشاندن ضعف ادله خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۷/۲۴). اصل احتیاط در دماء، فروج و اعراض نیز دامنه استناد به علم قاضی را محدود می‌کند. هرچه مجازات شدیدتر و آثار حکم جبران‌ناپذیرتر باشد، لزوم اطمینان قضایی افزایش می‌یابد. این

خانگی نیز تأکید شده است که فقدان شاهد مستقیم، دادگاه را به استفاده از قرائن پزشکی، رفتاری و محیطی سوق می‌دهد؛ اما ارزش این قرائن باید در چارچوب اصول دادرسی منصفانه و با رعایت حقوق دفاعی متهم ارزیابی شود (بسنده و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹). علم قاضی همچنین در ارزیابی نظریه کارشناسی نقش اساسی دارد. کارشناس رأی قضایی صادر نمی‌کند و نظریه او برای قاضی الزام‌آور مطلق نیست. با این حال، رد نظریه تخصصی نیز باید مستدل باشد و قاضی نمی‌تواند صرفاً بر پایه برداشت شخصی خود، نتیجه علمی را کنار بگذارد. اختیار قضات در ارجاع امر به کارشناسی و ارزیابی نتیجه آن، زمانی مشروع است که تصمیم دادگاه بر فهم دقیق موضوع فنی و ذکر دلایل قبول یا رد نظریه استوار باشد (جوادی، ۱۴۰۲: ۶۰۲). بنابراین، علم قاضی باید حاصل تعامل میان دانش حقوقی، ارزیابی عقلانی و استفاده صحیح از تخصص‌های لازم باشد.

از منظر نظریه‌های معاصر اثبات نیز محکومیت کیفری نیازمند چیزی فراتر از احتمال آماری یا پیش‌بینی صرف است. اندرسون نشان می‌دهد که دلیلی که تنها احتمال ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد، لزوماً معرفت یا توجیه کافی برای محکومیت ایجاد نمی‌کند؛ زیرا ممکن است دلیل، بدون توضیح ارتباط فردی متهم با جرم، فقط عضویت او را در یک گروه پرخطر نشان دهد. این تحلیل با مفهوم فقهی علم معتبر سازگار است؛ زیرا علم قضایی باید ناظر به انتساب مشخص جرم به شخص باشد، نه صرفاً احتمال کلی یا شباهت آماری (Anderson, 2025: 267).

۳-۱- قواعد فقهی محدودکننده استناد به علم قاضی

پذیرش حجیت علم قاضی بدون تعیین قواعد محدودکننده، می‌تواند خطر شخصی‌شدن دادرسی و گسترش تصمیم‌های سلیقه‌ای را در پی داشته باشد. مهم‌ترین قاعده محدودکننده، اصل برائت است. مطابق این اصل، وضعیت اولیه هر شخص، بری بودن ذمه و بی‌گناهی است و خروج از این وضعیت به دلیل معتبر نیاز دارد. در امور کیفری، اصل برائت صرفاً یک اصل عملی در حالت فقدان دلیل نیست، بلکه استنادی برای توزیع خطر خطای قضایی نیز محسوب می‌شود. هنگامی که ادله

۱-۲- مفهوم، مبنا و جایگاه معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان

معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، استاندارد نهایی اثبات مجرمیت در دادرسی کیفری است و تعیین می‌کند که مجموعه ادله در چه سطحی باید مرجع رسیدگی را قانع سازد تا صدور حکم محکومیت موجه باشد. این معیار، بر خلاف علم قاضی در حقوق ایران، خود یکی از ادله اثبات جرم نیست، بلکه ضابطه‌ای برای سنجش کفایت تمام ادله‌ای است که در جریان محاکمه ارائه می‌شوند. در رویه‌ی دادگاه‌های انگلستان، از قاضی، قضات صلح یا هیأت منصفه خواسته می‌شود تنها هنگامی متهم را مجرم بشناسند که از مجرمیت او «مطمئن» باشند. این تعبیر از برداشت‌های عددی و فلسفی درباره شک معقول جلوگیری می‌کند و بر اطمینانی تأکید دارد که پس از ارزیابی منصفانه تمامی شواهد حاصل می‌شود. بنابراین، معیار مزبور به معنای یقین مطلق یا حذف هر احتمال خیالی نیست، بلکه اقتضا دارد تردیدی مبتنی بر عقل، منطق و واقعیات پرونده باقی نمانده باشد.

مبنای این استاندارد را باید در پیوند میان اصل برائت، سنگینی آثار محکومیت کیفری و ضرورت کاهش خطر محکومیت اشخاص بی‌گناه جست‌وجو کرد. در امور کیفری، صرف برتری احتمال مجرمیت بر بی‌گناهی کافی نیست و محکومیت باید بر شواهدی استوار باشد که روایت اتهام را به‌صورت منسجم تأیید و تبیین‌های جایگزین معقول را کنار بزنند. از این‌رو، تعدد ظاهری ادله به‌تنهایی موجب تحقق استاندارد نیست، بلکه قابلیت اعتماد، استقلال، ارتباط و نیروی اثباتی هر دلیل باید بررسی شود. تفاوت میان شهادت، اظهارات مطلعان، گزارش‌های رسمی و ادله تخصصی نیز نشان می‌دهد که تمامی اطلاعات ارائه‌شده به دادگاه از ارزش اثباتی یکسان برخوردار نیستند و مرجع رسیدگی باید منشأ و کیفیت هر یک را جداگانه ارزیابی کند (توکلی، ۱۴۰۳: ۷۵).

جایگاه معیار "فراتر از شک معقول" با ضابطه تصمیم‌گیری برای آغاز تعقیب متفاوت است. دادستان برای تعقیب متهم لازم نیست شخصا از مجرمیت او مطمئن باشد، بلکه باید بر پایه ارزیابی عینی ادله، وجود چشم‌اندازی واقعی برای محکومیت را

اصل به معنای تعطیل کردن مجازات یا ضرورت دستیابی به یقین فلسفی نیست، بلکه اقتضا دارد که مرجع رسیدگی در جراثم شدید، ادله را با دقت بیشتر ارزیابی کند و هرگونه تردید واقعی را جدی بگیرد. در چنین مواردی، سرعت رسیدگی یا فشار افکار عمومی نباید جایگزین ارزیابی دقیق و مستقل قضایی شود.

محدودیت دیگر، لزوم مشروعیت تحصیل دلیل است. حتی اگر دلیل نامشروع در ذهن قاضی اطمینان ایجاد کند، نمی‌توان بدون توجه به شیوه تحصیل آن، علم حاصل را معتبر دانست. اقرار ناشی از شکنجه، شنود غیرقانونی، ورود بدون مجوز به حریم خصوصی یا دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی، نه‌تنها حقوق بنیادین افراد را نقض می‌کنند، بلکه قابلیت اعتماد دلیل را نیز کاهش می‌دهند. علم قاضی باید از فرایندی مشروع و منصفانه حاصل شود؛ زیرا حقیقتی که از طریق نقض آشکار عدالت به دست آمده باشد، نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای مشروع محکومیت قرار گیرد.

۲- معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان

معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، استاندارد نهایی اثبات مجرمیت در دادرسی کیفری است و میزان اقناعی را تعیین می‌کند که برای صدور حکم محکومیت ضرورت دارد. این معیار، بر خلاف علم قاضی در حقوق ایران، دلیل مستقلی برای اثبات جرم نیست، بلکه ضابطه‌ای برای سنجش کفایت مجموعه ادله ارائه‌شده از سوی مقام تعقیب محسوب می‌شود. بر اساس اصل برائت، بار اثبات اتهام اصولاً بر عهده دادستان است و متهم الزامی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد. محکومیت زمانی موجه خواهد بود که قاضی، قضات صلح یا هیأت منصفه پس از ارزیابی جامع ادله، از مجرمیت متهم مطمئن شوند و تردیدی واقعی و عقلایی درباره عناصر جرم باقی نماند. این معیار به معنای یقین مطلق یا حذف احتمالات دور و خیالی نیست، بلکه دستیابی به اقناعی عقلایی، مستند و مقاوم در برابر فرضیه‌های جایگزین معقول را مطالبه می‌کند. بررسی مفهوم، مبنا و شیوه اجرای این معیار، زمینه مقایسه آن با علم قاضی را فراهم می‌سازد.

روایتی جایگزین ناشی شود که با واقعیات پرونده سازگار است. بدین ترتیب، معیار مزبور میان احتمال صرف و تردید مؤثر تمایز می‌گذارد و مانع آن می‌شود که مجازات بر پایه‌ی ظن غالب یا شواهد ناقص اعمال گردد.

از منظر فلسفه اثبات، محکومیت تنها به وجود باور قوی در ذهن تصمیم‌گیرنده وابسته نیست، بلکه این باور باید از نظر عمومی و عقلانی قابل توجیه باشد. ممکن است قاضی یا اعضای هیأت منصفه بر اثر برداشت‌های شهودی یا عاطفی به مجرمیت متهم اطمینان پیدا کنند، اما تا زمانی که این اطمینان بر ادله معتبر و فرایندی منصفانه استوار نباشد، استاندارد کیفری محقق نشده است. هوادر تحلیل رابطه توجیه و اثبات "فراتر از شک معقول" نیز باور قوی فاقد توجیه کافی را برای محکومیت ناکافی می‌داند (Ho, 2021: 146).

در جرائم شدید، توجه به کیفیت ادله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا آثار اشتباه قضایی ممکن است جبران‌ناپذیر باشد. با این حال، استاندارد اثبات بر حسب شدت جرم تغییر نمی‌کند، بلکه دقت مرجع رسیدگی در ارزیابی ضعف‌ها و تعارض‌های ادله افزایش می‌یابد. دادگاه نباید منحصر به یک گزینه مبهم، شهادت متعارض، اقرار مشکوک یا نظریه کارشناسی غیرقطعی تکیه کند، مگر آنکه سایر شواهد، اعتبار و دلالت آن را تقویت کنند. همچنین، صدور رأی برائت ضرورتاً به معنای اثبات قطعی بی‌گناهی نیست، بلکه ممکن است صرفاً نشان دهد که مقام تعقیب نتوانسته بار اثبات را تا سطح لازم ایفا کند.

کارآمدی معیار "فراتر از شک معقول" به قابلیت توجیه نتیجه نیز وابسته است. در محاکم بدون هیأت منصفه، قاضی یا قضات باید ادله را ارزیابی و تعارض‌های آن را حل کنند. در محاکم با هیأت منصفه، قاضی قانون، عناصر جرم و بار و معیار اثبات را توضیح می‌دهد، اما تصمیم نهایی درباره واقعیات و مجرمیت بر عهده هیأت منصفه است. تحلیل حقیقت قضایی نیز نشان می‌دهد که مشروعیت تصمیم فقط از نتیجه حاصل نمی‌شود، بلکه به عقلانی‌بودن مسیر ارزیابی ادله و امکان بازسازی آن وابسته است (سلطانی‌فرد و موسوی، ۱۴۰۳: ۳۹۷).

احراز کند. با این حال، در مرحله صدور رأی، صرف احتمال بیشتر مجرمیت کافی نیست و دادگاه یا هیأت منصفه باید از مجرمیت متهم مطمئن شود. این تفکیک مانع خلط معیار تعقیب با استاندارد نهایی محکومیت می‌شود و نشان می‌دهد که معیار "فراتر از شک معقول"، ناظر بر تصمیم نهایی درباره اعمال مجازات است. تحقق این معیار مستلزم ارزیابی جامع و بی‌طرفانه ادله است. مرجع رسیدگی نباید ابتدا فرض مجرمیت را بپذیرد و سپس شواهد را فقط در جهت تأیید آن انتخاب کند؛ زیرا این رویکرد ممکن است به سوگیری تأییدی منجر شود و ادله مخالف اتهام یا مؤید بی‌گناهی کم‌اهمیت تلقی شوند. نظریه معرفت‌شناختی فرایند کیفری نیز بر ضرورت پیش‌بینی سازوکارهایی تأکید دارد که فشارهای شناختی و نهادی را کاهش دهند و امکان آزمون روایت دادستان را فراهم کنند. از این‌رو، معیار "فراتر از شک معقول" نه تنها درجه نهایی اقناع، بلکه کیفیت فرایند رسیدن به آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Bown, 2022: 43).

۲-۲- نسبت معیار "فراتر از شک معقول" با اصل برائت و بار اثبات

اصل برائت نقطه آغاز دادرسی کیفری در حقوق انگلستان است و اقتضا دارد متهم تا زمانی که اتهام او بر اساس استاندارد مقرر اثبات نشده است، بی‌گناه تلقی شود. پیامد مستقیم این اصل آن است که بار اثبات عناصر جرم، اصولاً بر عهده مقام تعقیب قرار دارد. متهم مکلف نیست بی‌گناهی خود را ثابت کند و ناتوانی او در ارائه توضیح یا دفاع کامل نمی‌تواند فقدان دلیل مثبت را جبران نماید. دادستان باید ادله‌ای ارائه کند که نه فقط احتمال ارتکاب جرم، بلکه انتساب آن به متهم و تحقق عناصر مادی و روانی جرم را اثبات کند.

معیار "فراتر از شک معقول"، سازوکار عملی اجرای اصل برائت است. اگر پس از بررسی تمام ادله، تردیدی واقعی و عقلایی درباره یکی از عناصر جرم باقی بماند، این تردید باید به سود متهم عمل کند. البته هر احتمال دور یا فرض خیالی مانع محکومیت نیست. شک معقول باید از نقص یا تعارض ادله، ضعف قابلیت اعتماد شاهد، امکان تفسیر متفاوت قرائن یا وجود

۳-۲- نقش قاضی، هیأت منصفه و ارزیابی ادله در تحقق معیار "فراتر از شک معقول"

در دادگاه تاج، وظیفه اصلی قاضی هدایت حقوقی هیأت منصفه، تصمیم‌گیری درباره مسائل قانونی، نظارت بر پذیرش ادله و تضمین منصفانه بودن محاکمه است؛ درحالی که هیأت منصفه درباره واقعیات، اعتبار شهود و نهایتاً مجرمیت یا بی‌گناهی متهم تصمیم می‌گیرد. قاضی باید برای اعضای هیأت روشن سازد که بار اثبات بر عهده دادستان است و محکومیت تنها زمانی مجاز خواهد بود که آنان از مجرمیت متهم مطمئن باشند. در دادگاه‌های صلح یا رسیدگی‌هایی که قاضی بدون هیأت منصفه تصمیم می‌گیرد، همین استاندارد اعمال می‌شود، اما ارزیابی ادله و صدور رأی هر دو بر عهده قاضی یا قضات است.

تفکیک نقش قاضی و هیأت منصفه سبب می‌شود معیار اثبات صرفاً به حالت ذهنی یک مقام حرفه‌ای محدود نشود. قاضی چهارچوب حقوقی و قواعد لازم را تبیین می‌کند و هیأت منصفه باید بر اساس ادله‌ای تصمیم بگیرد که در جلسه محاکمه ارائه و در معرض بررسی طرفین قرار گرفته‌اند. بالاین‌حال، این ساختار نیز ممکن است تحت تأثیر تفاوت برداشت اعضای هیأت از مفهوم اطمینان، نحوه ارائه شواهد و سوگیری‌های شناختی قرار گیرد. به همین دلیل، دستورهای قاضی باید روشن و قابل فهم باشند و از تبدیل معیار اثبات به درصد احتمال یا فرمول ریاضی پرهیز شود.

آمبوس و لی^۱ در مقایسه معیار "فراتر از شک معقول" با اقناع درونی دادرس نشان می‌دهند که تفاوت اصطلاحات و ساختارهای دادرسی، لزوماً موجب تفاوت در هدف نهایی نمی‌شود. نظام‌های مختلف می‌کوشند نقطه‌ای را تعیین کنند که در آن، محکومیت با توجه به خطر خطا و اصل برائت موجه باشد. تفاوت اصلی آن است که "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، استاندارد کفایت مجموعه ادله است؛ درحالی که علم قاضی در حقوق ایران، علاوه بر بیان نتیجه اقناع دادرس، در شمار ادله قانونی اثبات جرم قرار دارد (Ambos & Lee, 2025: 263).

در ارزیابی ادله، قاضی یا هیأت منصفه باید شواهد را هم به‌صورت مستقل و هم در ارتباط با یکدیگر بررسی کنند. ممکن است یک قرینه به‌تنهایی ضعیف باشد، اما در کنار شواهد مستقل دیگر نیروی اثباتی بیشتری پیدا کند. در مقابل، تکرار اطلاعاتی که همگی از یک منشأ نامطمئن سرچشمه می‌گیرند، دلیل مستقل و قدرتمندی ایجاد نمی‌کند. ادله علمی نیز نباید صرفاً به دلیل ظاهر تخصصی خود قطعی تلقی شوند؛ روش آزمون، میزان خطا، صلاحیت کارشناس و امکان ارائه تفسیری جایگزین باید بررسی شود.

وجود احتمال بالای مجرمیت نیز همواره برای محکومیت کافی نیست. ممکن است مجموعه ادله روایت دادستان را تقویت کند، اما فرضیه‌ای بدیل و بررسی‌نشده همچنان با واقعیات پرونده سازگار باشد. جمله نشان می‌دهد که نادیده ماندن یک امکان معقول می‌تواند با وجود قدرت ظاهری شواهد، موجب پیدایش شک معقول شود. از این‌رو، مرجع تصمیم‌گیرنده باید علاوه بر شواهد موجود، خلأهای تحقیق، تعارض‌ها و توضیح‌های رقیب را نیز ارزیابی کند (Jellema, 2024: 451). در نتیجه، تحقق معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان حاصل تعامل سه عنصر است: قراردادن بار اثبات بر عهده مقام تعقیب، هدایت حقوقی روشن قاضی و ارزیابی جامع و بی‌طرفانه‌ی ادله توسط مرجع تصمیم‌گیرنده. این معیار نه یقین مطلق را مطالبه می‌کند و نه به اطمینان شخصی بسنده دارد، بلکه مستلزم اطمینانی عقلایی است که از ادله معتبر حاصل شده، در برابر فرضیه‌های جایگزین مقاومت کرده و با اصل برائت سازگار باشد.

۳- تحلیل تطبیقی علم قاضی در فقه امامیه و معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان

مقایسه علم قاضی در فقه امامیه با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، مستلزم توجه هم‌زمان به اشتراکات کارکردی و تفاوت‌های ساختاری این دو مفهوم است. علم قاضی در نظام حقوقی ایران، افزون بر آنکه بیانگر نتیجه ارزیابی ادله از سوی دادرس است، در شمار ادله اثبات جرم نیز قرار گرفته است. در مقابل، معیار "فراتر از شک معقول" در

^۱- Ambos & Lee

^۲- Jellema

توضیح نیست. علم معتبر باید از مقدماتی حاصل شود که عرف عقلا بتواند کاشفیت آن‌ها را از واقع بپذیرد. در حقوق انگلستان نیز معیار "فراتر از شک معقول"، به یقین فلسفی یا ریاضی نیاز ندارد، اما اقناع صرفاً شخصی و فاقد منشأ قابل اعتماد را برای محکومیت کافی نمی‌داند. بدین ترتیب، اشتراک اصلی دو معیار را می‌توان در ضرورت پیوند میان باور تصمیم‌گیرنده و ادله عینی پرونده جست‌وجو کرد.

۱-۳- ضرورت حصول اقناع عقلایی

نخستین وجه اشتراک، ضرورت حصول اقناع عقلایی است. ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی را یقین حاصل از مستندات بین تعریف می‌کند؛ اما درجه یقین و مرز آن با اطمینان عرفی یا ظن قوی را به صورت تفصیلی مشخص نمی‌سازد. در دادرسی کیفری، قاضی معمولاً واقعه را مستقیماً مشاهده نکرده و ناگزیر است گذشته را بر پایه گزارش‌ها، شهادت‌ها، قرائن و ادله علمی بازسازی کند. از این رو، اگر یقین به معنای قطع فلسفی و غیرقابل تصور خلاف دانسته شود، اثبات بسیاری از جرائم ممکن نخواهد بود و اگر هر احتمال غالب یا اطمینان روانی، علم تلقی شود، اصل برائت تضعیف خواهد شد.

سید ابوالقاسم خویی در کتاب «مبانی تکملة المنهاج»، اعتبار حکم را با علم معتبر و اطمینان ناشی از طرق عقلایی مرتبط می‌داند. بر این مبنا، شدت باور درونی قاضی به تنهایی معیار اعتبار نیست و نوع مقدمات، قابلیت اعتماد منابع و شیوه شکل‌گیری نتیجه اهمیت اساسی دارند. ممکن است قاضی بر اثر دلیل نامعتبر، شهرت عمومی یا اطلاعات ناقص به اطمینان شدید برسد، اما چنین اطمینانی به دلیل ضعف منشأ، واجد ارزش قضایی نباشد. در مقابل، مجموعه‌ای از قرائن هماهنگ، مستقل و قابل آزمون می‌تواند اطمینانی عقلایی ایجاد کند که هرچند یقین ریاضی نیست، برای اتخاذ تصمیم قضایی معتبر محسوب شود (خویی، بی‌تا: ۱/ ۱۲). همین ویژگی در معیار "فراتر از شک معقول" نیز مشاهده می‌شود. این معیار را نباید به یک درصد عددی از احتمال مجرمیت تبدیل کرد. افزایش احتمال مجرمیت الزاماً به معنای برطرف شدن شک معقول نیست؛ زیرا ممکن است ادله احتمال ارتکاب جرم را بالا ببرند،

حقوق انگلستان دلیل مستقلى برای اثبات جرم محسوب نمی‌شود، بلکه سطحی از اقناع را تعیین می‌کند که مجموعه ادله اتهام باید برای صدور حکم محکومیت ایجاد کنند. با وجود این تفاوت، هر دو مفهوم با مسأله‌ای مشترک روبه‌رو هستند: چگونه می‌توان باور درونی مرجع تصمیم‌گیرنده را از ظن، پیش‌داوری و اطمینان روان‌شناختی جدا کرد و آن را به نتیجه‌ای عقلایی، مستند و قابل دفاع تبدیل نمود؟

پذیرش علم قاضی از یک‌سو امکان ارزیابی جامع قرائن و دستیابی به حقیقت قضایی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، در صورت فقدان معیارهای روشن، ممکن است به شخصی‌شدن اثبات و کاهش قابلیت نظارت بر آراء کیفری بینجامد. معیار "فراتر از شک معقول" نیز، اگر تنها به احساس اطمینان تصمیم‌گیرنده فروکاسته شود، از ایفای نقش حمایتی خود در برابر محکومیت ناروا بازمی‌ماند. بنابراین، مسأله اصلی در هر دو نظام، نفی اقناع درونی نیست؛ زیرا صدور رأی بدون شکل‌گیری نوعی باور درباره واقعیت پرونده امکان‌پذیر نیست. چالش اساسی، تبدیل این اقناع به باوری موجه، حاصل از ادله معتبر و مقاوم در برابر تردیدهای عقلایی است. بررسی فقهی - حقوقی علم قاضی نیز نشان می‌دهد که مشروعیت استناد به آن، به میزان استنادپذیری، قابلیت دفاع و سازگاری آن با اصل برائت وابسته است (یاغلی، ۱۴۰۰: ۲۵۹).

۱-۳- وجوه اشتراک علم قاضی و معیار "فراتر از شک معقول"

علم قاضی و معیار "فراتر از شک معقول"، با وجود تفاوت در خاستگاه و ساختار، در چند محور اساسی با یکدیگر اشتراک دارند. هر دو از محکومیت مبتنی بر گمان، احتمال صرف یا دلایل فاقد قابلیت اعتماد جلوگیری می‌کنند؛ هر دو تحقق نوعی اقناع عقلایی را ضروری می‌دانند؛ و هر دو با اصل برائت و لزوم احتیاط در سلب حقوق و آزادی‌های اشخاص ارتباط دارند. اشتراک مهم دیگر آن است که در هیچ‌یک، صرف افزایش احتمال مجرمیت برای صدور حکم محکومیت کافی نیست. آنچه لازم است، رسیدن به سطحی از اطمینان است که تردیدهای واقعی و مرتبط با عناصر جرم را برطرف سازد.

در فقه امامیه، حجیت قطع از مبانی اصلی اعتبار علم قاضی است؛ اما این حجیت به معنای پذیرش هر باور شدید و غیرقابل

شهید ثانی در کتاب «مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام»، در مباحث قضا بر رعایت شرایط حکم و استناد به اموری تأکید می‌کند که قابلیت طرح و ارزیابی در فرایند دادرسی را داشته باشند. بر پایه این دیدگاه، علم قاضی نباید به شکلی مورد استناد قرار گیرد که طرف دعوا از منشأ حکم بی‌اطلاع بماند یا امکان دفاع در برابر آن را از دست بدهد. در غیر این صورت، قاضی از جایگاه داور بی‌طرف خارج می‌شود و به شخصی تبدیل می‌گردد که هم منبع اطلاعات و هم ارزیاب اعتبار آن‌هاست (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۳/۳۷۰).

اصل برائت در حقوق انگلستان نیز اقتضا دارد بار اثبات بر عهده مقام تعقیب باقی بماند و متهم برای اثبات بی‌گناهی خود مکلف نشود. معیار فراتر از شک معقول ابزار عملی اجرای این اصل است. اگر پس از بررسی مجموعه ادله، تردیدی عقلایی درباره وقوع جرم، انتساب رفتار یا تحقق عنصر روانی باقی بماند، حکم محکومیت نباید صادر شود. این تردید ممکن است از ضعف شواهد، تعارض شهادت‌ها، نقص تحقیقات یا وجود یک توضیح جایگزین ناشی شود. در چنین شرایطی، عدم توانایی متهم در ارائه توضیح کامل نمی‌تواند جای خالی دلیل اثباتی را پر کند.

قاعده دره در فقه امامیه نیز همین جهت حمایتی را تقویت می‌کند. این قاعده اجازه نمی‌دهد فقدان دلیل یا بقای شبهه با اطمینان شخصی دادرس جبران شود. علم شخصی، به‌ویژه هنگامی که از سابقه متهم، شهرت محلی، شنیده‌های غیررسمی یا داوری اخلاقی درباره شخصیت او حاصل شده باشد، ممکن است به پیش‌داوری منجر شود. معیار "فراتر از شک معقول" نیز از مرجع رسیدگی می‌خواهد به‌جای ارزیابی شخصیت متهم، ادله مربوط به واقعه و عناصر جرم را بررسی کند.

عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز ممکن است بدون آگاهی قاضی یا اعضای هیأت منصفه بر ارزیابی اعتبار اشخاص اثر بگذارند. برای مثال، جنسیت، طبقه اجتماعی، نحوه سخن‌گفتن یا واکنش عاطفی شاهد و متهم می‌تواند به شکل‌گیری برداشت‌هایی درباره صداقت آنان منجر شود. بررسی تأثیر جنسیت زنان بر ادله اثبات نشان می‌دهد که ارزیابی شهادت و اظهارات نباید بر پیش‌فرض‌های کلی درباره عاطفی‌بودن،

ولی همچنان توضیحی منسجم و سازگار با بی‌گناهی متهم وجود داشته باشد. آبرامز در بررسی رابطه شک معقول و پیش‌فرض‌های احتمالی نشان می‌دهد که ارزیابی ادله متأثر از تصویری است که تصمیم‌گیرنده درباره احتمال اولیه مجرمیت یا ویژگی‌های متهم دارد. اگر این پیش‌فرض‌ها آشکار و کنترل نشوند، ادله مشابه ممکن است درباره افراد مختلف، نتایج متفاوتی ایجاد کنند. از این‌رو، اقتناع قضایی باید از ادله مربوط به همان واقعه ناشی شود، نه از تصویرهای پیشین درباره شخصیت، سابقه یا موقعیت اجتماعی متهم (Abrams, 2026: 546).

موس نیز میان داشتن باور قوی و برخورداری از معرفت کافی برای صدور حکم تفاوت می‌گذارد. امکان دارد مرجع رسیدگی از نظر روانی به مجرمیت متهم اطمینان یافته باشد، ولی نتواند نشان دهد که چرا این باور بر ادله معتبر استوار شده و چگونه احتمال خطا یا تبیین جایگزین کنار گذاشته شده است. در این رویکرد، اثبات حقوقی تنها به‌شدت اطمینان وابسته نیست، بلکه کیفیت معرفتی، منشأ باور و قابلیت توجیه آن نیز جزئی از استاندارد اثبات محسوب می‌شود (Moss, 2023: 176). بر این اساس، اقتناع عقلایی را می‌توان باوری مستند و حاصل از فرایندی منصفانه دانست که در آن، دلایل اتهام و دفاع بررسی شده، تعارض‌های مؤثر پاسخ یافته و فرضیه‌های جایگزین معقول کنار گذاشته شده باشند. چنین اقتناعی در فقه امامیه می‌تواند مصداق علم معتبر و در حقوق انگلستان مبنای عبور از معیار "فراتر از شک معقول" باشد.

۲-۱-۳. حمایت از اصل برائت و منع محکومیت بر پایه ظن

دومین وجه اشتراک، حمایت از اصل برائت و منع محکومیت بر پایه ظن است. علم قاضی زمانی می‌تواند بر اصل برائت غلبه کند که از ادله معتبر و قابل مناقشه حاصل شده باشد. علم شخصی قاضی که خارج از فرایند رسمی رسیدگی و بر پایه‌ی شنیده‌ها، روابط شخصی، مشاهدات قبلی یا اطلاعات غیررسمی پدید آمده باشد، با مشکلات جدی مواجه است. چنین اطلاعاتی در پرونده منعکس نشده، متهم امکان پاسخ‌گویی به آن‌ها را ندارد و مرجع بالاتر نیز قادر به ارزیابی منشأ و اعتبارشان نیست.

علمی و احتمال کارشناسی خلط شود. عباراتی مانند «مطابقت»، «احتمال بسیار زیاد» یا «عدم امکان رد» ممکن است در هر رشته معنای تخصصی متفاوتی داشته باشند. قاضی یا هیأت منصفه باید با هدایت مناسب، روش آزمون، میزان خطا، صلاحیت کارشناس، زنجیره نگهداری نمونه و امکان تفسیر جایگزین را بررسی کنند. نتیجه کارشناسی، هرچند از ظاهر علمی برخوردار باشد، باید در ارتباط با سایر شواهد سنجیده شود.

مولر در تحلیل معرفت و اثبات حقوقی تأکید می‌کند که اهمیت معرفت در دادرسی به معنای کفایت ادعای دانستن یا اطمینان تصمیم‌گیرنده نیست. دلیل باید ارتباطی قابل دفاع میان متهم و واقعه برقرار کند و در برابر سناریوهای جایگزین مقاومت داشته باشد. از این‌رو، حتی ادله علمی قوی نیز نباید جدا از زمینه پرونده و سایر قرائن ارزیابی شوند (Mueller, 2024: 1).

۳-۲-۲- وجوه افتراق علم قاضی و معیار "فراتر از شک معقول"
با وجود اشتراکات یادشده، علم قاضی و معیار "فراتر از شک معقول" از حیث ماهیت، جایگاه حقوقی و مقام تصمیم‌گیرنده تفاوت‌های مهمی دارند. نادیده گرفتن این تفاوت‌ها ممکن است به همانندسازی نادرست دو نظام منجر شود. هدف از تطبیق، انتقال لفظی یک اصطلاح از حقوق انگلستان به فقه و حقوق ایران نیست، بلکه باید بررسی شود که کدام کارکردهای معیار انگلیسی قابلیت بهره‌برداری در تفسیر و تحدید علم قاضی را دارند.

۳-۲-۱- تفاوت در ماهیت و جایگاه حقوقی
علم قاضی در نظام حقوقی ایران دارای ماهیتی دوگانه است. از یک‌سو، بیانگر حالت نهایی اقتناع قاضی پس از ارزیابی ادله است و از سوی دیگر، قانون آن را در شمار ادله اثبات جرم قرار داده است. این وضعیت سبب می‌شود علم قاضی گاه به‌عنوان نتیجه ارزیابی و گاه به‌عنوان دلیل مستقل مورد استناد قرار گیرد. همین دوگانگی می‌تواند مرز میان دلیل، استنتاج و استاندارد اثبات را مبهم سازد. در مقابل، معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان، دلیل مستقلی برای اثبات جرم

صدافت یا قابلیت اعتماد اشخاص استوار شود؛ زیرا چنین پیش‌فرض‌هایی ممکن است در شکل‌گیری اقتناع قضایی دخالت کنند، بدون آنکه ارتباطی با واقعیت پرونده داشته باشند (خسروی، ۱۴۰۲: ۱۶۷). در نتیجه، حمایت از اصل برائت در هر دو نظام مستلزم آن است که محکومیت تنها بر پایه ادله واردشده در فرایند دادرسی، قابل اعتراض و مرتبط با عناصر جرم صادر شود. تفاوت در اصطلاحات نباید این اشتراک را پنهان کند که هم علم معتبر و هم اثبات "فراتر از شک معقول"، با محکومیت ناشی از ظن، پیش‌داوری و برداشت‌های شخصی ناسازگارند.

۳-۱-۳- لزوم ارزیابی جامع قرائن و ادله علمی

سومین وجه اشتراک، لزوم ارزیابی جامع قرائن، امارات، اسناد و ادله علمی است. بخش عمده اقتناع قضایی در دادرسی معاصر، نه از مشاهده مستقیم واقعه، بلکه از بازسازی آن به کمک ادله غیرمستقیم حاصل می‌شود. داده‌های الکترونیکی، نظریه‌های پزشکی قانونی، گزارش‌های کارشناسی، تصاویر، پیام‌ها و اسناد می‌توانند نقش مهمی در اثبات داشته باشند، اما وجود ظاهری آن‌ها به‌تنهایی برای ایجاد علم یا رفع شک معقول کافی نیست.

علامه حلی در کتاب «مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه»، با بررسی اختلاف فقها درباره طرق اثبات و میزان کاشفیت آن‌ها، نشان می‌دهد که هیچ اماره‌ای صرفاً به دلیل عنوان و ظاهر خود علم‌آور نیست و شرایط حجیت آن باید احراز شود. این حساسیت در امور کیفری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا نتیجه ارزیابی دلیل می‌تواند به سلب آزادی، حیثیت یا حیات شخص منجر شود (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۸/ ۴۸۷). اسناد رسمی و عادی نیز زمانی در شکل‌گیری اقتناع معتبر مؤثرند که اصالت، تمامیت، انتساب و ارتباط آن‌ها با واقعه احراز شده باشد. عنوان "سند" یا "گزارش رسمی" نمی‌تواند جانشین بررسی محتوایی و فنی شود. تحلیل ادله روایی اعتبار اسناد نیز نشان می‌دهد که ارزش اثباتی نوشته به قابلیت انتساب و اطمینان به مفاد آن وابسته است و نمی‌توان هر نوشته‌ای را بدون بررسی منشأ، شرایط تنظیم و احتمال جعل یا تحریف علم‌آور دانست (طاهرآبادی، ۱۴۰۳: ۵۶۷). در ادله علمی نیز نباید میان قطعیت

نیست. شهادت، اقرار، اسناد، ادله علمی و قرائن، مواد اولیه اثبات را تشکیل می‌دهند و معیار "فراتر از شک معقول" مشخص می‌کند آیا مجموع این مواد برای محکومیت کافی هستند یا خیر. بنابراین، در حقوق انگلستان میان "پذیرش دلیل" و "کفایت مجموعه ادله" تمایز روشن‌تری وجود دارد. این تفاوت در معرض سوگیری‌های شناختی نیز اهمیت می‌یابد. اگر علم قاضی به دلیل مستقلی تبدیل شود که می‌تواند ضعف سایر ادله را جبران کند، احتمال دارد قاضی باور اولیه خود را تحت عنوان علم اعلام نماید. تصمیم قضایی مانند سایر تصمیم‌های انسانی در معرض سوگیری تأییدی، اثر لنگر، توجه‌گزینی و تأثیر اطلاعات اولیه است. باون^۱ نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان قضایی تحت فشارهای نهادی، زمانی و شناختی قرار دارند و غلبه زود هنگام فرضیه مجرمیت می‌تواند اطلاعات بعدی را نیز در چارچوب همان فرضیه معنا کند. بنابراین، کنترل خطا نباید فقط به دقت و اخلاق شخصی قاضی واگذار شود و ساختار اثبات باید امکان آزمون روایت غالب را فراهم سازد (Bown, 2022: 61).

ارزیابی قصد و اعتبار اشخاص نیز صرفاً فرایندی منطقی نیست. مینی‌ساله و برگمن بلیکس^۲ نشان می‌دهند که داوری درباره قصد مجرمانه و صداقت اظهارات، ترکیبی از مؤلفه‌های شناختی و عاطفی است. رفتار آرام ممکن است نشانه بی‌تفاوتی و اضطراب ممکن است نشانه دروغ‌گویی تلقی شود، درحالی‌که هر دو واکنش می‌توانند علل متفاوتی داشته باشند. معیار "فراتر از شک معقول" باید مانع از آن شود که چنین برداشت‌های مبهمی بدون پشتیبانی سایر ادله، مبنای محکومیت قرار گیرند (Minissale & Bergman Blix, 2025: 691).

۳-۲-۲ تفاوت میان دلیل اثبات و استاندارد اثبات

دومین تفاوت اساسی، تمایز میان دلیل اثبات و استاندارد اثبات است. اصطلاح «مستندات بین» در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی معیار دقیقی برای تعیین کیفیت ادله ارائه نمی‌کند. بین ممکن است به معنای روشن، آشکار، قابل اعتماد یا دارای قدرت اثباتی بالا تفسیر شود. این ابهام می‌تواند سبب شود

گزارش ضابط، نظر کارشناس، اظهارات مطلع یا قرائن رفتاری بدون ارزیابی مستقل، علم‌آور تلقی شوند. مرز میان علم قضایی و برداشت شخصی زمانی مخدوش‌تر می‌شود که رأی تنها نام مستندات را ذکر کند، بدون آنکه رابطه آن‌ها با عناصر جرم را توضیح دهد. عبارتی مانند «با توجه به مجموع محتویات پرونده، علم حاصل است» نشان نمی‌دهد کدام دلیل معتبر شناخته شده، تعارض‌ها چگونه برطرف شده و فرض بی‌گناهی بر چه مبنایی کنار گذاشته شده است. تعدد ادله نیز همیشه به معنای افزایش قدرت اثباتی نیست؛ زیرا چند گزارش ممکن است همگی از یک منبع اولیه و نامطمئن ناشی شده باشند.

معیار "فراتر از شک معقول" در این زمینه کارکرد متفاوتی دارد. حتی اگر تمام ادله ارائه شده قابل پذیرش باشند، ممکن است مجموع آن‌ها برای محکومیت کافی نباشد. جلما^۳ در بحث شک ناشی از گزینه‌های تصور نشده توضیح می‌دهد که تصمیم‌گیرنده ممکن است به دلیل محدود بودن فرضیه‌های بررسی شده، به اطمینان برسد، درحالی‌که توضیح جایگزین معقولی اساساً مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، فقدان تردید در ذهن تصمیم‌گیرنده لزوماً به معنای فقدان شک معقول نیست؛ زیرا ممکن است تحقیق ناقص یا دامنه فرضیه‌ها محدود بوده باشد (Jellema, 2024: 971). این تفاوت نشان می‌دهد که در تطبیق دو مفهوم، باید علم قاضی بیشتر به عنوان نتیجه نهایی ارزیابی و معیار "فراتر از شک معقول" به عنوان آزمون کفایت آن در نظر گرفته شود. در این صورت، هیچ دلیل منفردی تنها به دلیل علم‌آور بودن ادعایی، از بررسی انتقادی مصون نخواهد ماند.

۳-۲-۳ تفاوت در نقش قاضی و هیأت منصفه

سومین تفاوت به ساختار تصمیم‌گیری مربوط است. در نظام کیفری ایران، قاضی معمولاً هم درباره مسائل حقوقی و هم درباره واقعیات پرونده تصمیم می‌گیرد و علم قاضی به حالت اقناع همان مقام حرفه‌ای اشاره دارد. در حقوق انگلستان، به‌ویژه در رسیدگی‌های دارای هیأت منصفه، وظایف میان قاضی و هیأت منصفه تقسیم می‌شوند. قاضی درباره مسائل

^۱- Bown

^۲- Minissale & Bergman Blix

^۳- Jellema

حقوقی، قابلیت پذیرش ادله و هدایت قانونی تصمیم می‌گیرد و هیأت منصفه واقعیت‌ها و مجرمیت متهم را ارزیابی می‌کند.

این تفاوت بر شیوه بیان و نظارت بر تصمیم نیز اثر می‌گذارد. رأی مبتنی بر علم قاضی باید مستندات و مسیر استدلال را نشان دهد تا امکان اعتراض و بررسی در مرجع بالاتر فراهم شود. اگر علم به حالتی شخصی و غیرقابل توضیح تقلیل یابد، مرجع تجدیدنظر تنها با نتیجه‌ای روبه‌رو می‌شود که قابلیت آزمون ندارد. **رابرتس و زاگرمین**^۱ استدلال قضایی را جزئی از مشروعیت حکم می‌دانند و تأکید می‌کنند که دادگاه باید نحوه پذیرش دلیل، محدودیت‌های آن و ارتباطش با عناصر جرم را روشن سازد. این شفافیت، علاوه بر حمایت از متهم، به شکل‌گیری رویه‌ای منسجم کمک می‌کند (Roberts & Zuckerman, 2022: 101).

در رسیدگی با هیأت منصفه، تصمیم تفصیلی و مستدل به شیوه آراء قضایی ایران ارائه نمی‌شود، اما قاضی باید معیار اثبات و مسائل حقوقی را برای هیأت توضیح دهد. از این‌رو، نظارت‌پذیری بیشتر از طریق قواعد پذیرش ادله، هدایت هیأت منصفه و امکان اعتراض به خطاهای حقوقی تحقق می‌یابد. این تفاوت ساختاری مانع آن است که شیوه استدلال نویسی حقوق ایران عیناً با تصمیم هیأت منصفه مقایسه شود. همچنین باید میان "اثبات بی‌گناهی" و "اثبات‌نشدن مجرمیت" تفاوت گذاشت. رأی برائت لزوماً به معنای احراز قطعی بی‌گناهی نیست، بلکه ممکن است نتیجه ناتوانی دادستان در اثبات اتهام تا سطح لازم باشد. **وایتلی**^۲ با طرح مسأله سه رأی، نشان می‌دهد که تمایز میان بی‌گناهی اثبات‌شده و اثبات‌نشدن مجرمیت، در تحلیل استاندارد اثبات اهمیت دارد؛ هرچند نظام کیفری در نهایت باید میان محکومیت و عدم محکومیت یکی را انتخاب کند (Whiteley, 2024: 105).

۳-۳- امکان و ضوابط تطبیق دو معیار

تطبیق علم قاضی با معیار "قراتر از شک معقول" نباید به یکسان‌انگاری این دو یا انتقال لفظی اصطلاحات حقوق

انگلستان محدود شود. هدف، بهره‌گیری از کارکردهای معیار انگلیسی برای عینی‌سازی، تحدید و نظارت‌پذیر کردن علم قاضی است. در این چارچوب، علم قاضی به‌عنوان نتیجه نهایی ارزیابی حفظ می‌شود، اما اعتبار آن به احراز شرایطی وابسته خواهد بود که نشان دهند اقناع حاصل، از آزمون شک معقول عبور کرده است.

۱-۳-۳- احراز اطمینان عقلایی مبتنی بر ادله معتبر

نخستین ضابطه، عقلایی بودن اقناع و اعتبار ادله منشأ آن است. اطمینان عقلایی از طرق متعارف و مستنداتی حاصل می‌شود که جامعه حقوقی بتواند قابلیت اعتماد آن‌ها را بپذیرد. این اطمینان نه درصد بالای احتمال و نه احساس شخصی قاضی است، بلکه نتیجه بررسی مشروعیت تحصیل، اصالت، ارتباط، استقلال و قدرت اثباتی ادله است.

کلرمون^۳ در نظریه عمومی ادله و اثبات بر فرایند شکل‌گیری باور موجه بر پایه شواهد تأکید می‌کند. استاندارد اثبات باید کیفیت رابطه میان دلیل و نتیجه را بسنجد و تنها به تعداد ادله یا شدت باور تصمیم‌گیرنده توجه نکند. در دادرسی کیفری، اقناع معتبر زمانی شکل می‌گیرد که مجموعه شواهد، روایت اتهام را به‌صورت منسجم پشتیبانی و روایت‌های جایگزین معقول را تضعیف کند (Clermont, 2025: 31).

فرر بلتران^۴ نیز میان قواعد پذیرش ادله و استاندارد کفایت مجموعه آن‌ها تفکیک می‌کند. ممکن است هر دلیل به‌صورت جداگانه قابل‌پذیرش باشد، ولی مجموع آن‌ها هنوز برای محکومیت کافی نباشد. بنابراین، پس از احراز اعتبار هر مستند، باید بررسی شود که آیا ترکیب آن‌ها توان برطرف کردن شک معقول را دارد یا خیر (Ferrer Beltrán, 2022: 395).

حساسیت دلیل نسبت به حقیقت نیز باید سنجیده شود. **ملخچور**^۵ تأکید می‌کند که دلیل قوی باید در صورت نادرست‌بودن فرضیه اتهام، وضعیت متفاوتی داشته باشد. دلیلی که به یک اندازه با مجرمیت و بی‌گناهی سازگار است، نمی‌تواند نقش

^۱- Roberts & Zuckerman

^۲- Whiteley

^۳- Clermont

^۴- Ferrer Beltrán

^۵- Melchior

است؟ آیا اصالت و انتساب آن احراز شده است؟ چه ارتباطی با عنصر مورد ادعا دارد؟ آیا دلیل مستقل است یا از منبعی دیگر مشتق شده است؟ آیا توضیح جایگزین معقولی وجود دارد؟ آیا دفاعیات مؤثر بررسی شده‌اند؟ و چرا تردید باقی‌مانده غیرعقلایی تلقی شده است؟

انتشار آراء مستدل و فراهم کردن امکان دسترسی به رویه قضایی نیز می‌تواند هماهنگی بیشتری ایجاد کند. استقلال قاضی به معنای بی‌نیازی از معیار مشترک نیست. معیارهای مشترک، استقلال قضایی را از سلیقه‌گرایی جدا کرده و مقایسه پرونده‌های مشابه را امکان‌پذیر می‌کنند.

۳-۳-۴- الگوی پیشنهادی تطبیق علم قاضی با معیار انگلیسی
الگوی پیشنهادی تطبیق را می‌توان در پنج مرحله تنظیم کرد. در مرحله نخست، ادله از حیث مشروعیت تحصیل، اصالت و قابلیت پذیرش بررسی شوند. دلیل نامشروع یا غیرقابل اعتماد نباید در شکل‌گیری علم نقش تعیین‌کننده داشته باشد. در مرحله دوم، ارزش اثباتی هر دلیل به‌طور مستقل و در ارتباط با عناصر جرم سنجیده شود. در مرحله سوم، مجموعه ادله در قالب روایت اتهام و روایت‌های جایگزین سازمان‌دهی گردد. در مرحله چهارم، تردیدهای مطرح‌شده از حیث عقلایی بودن، ارتباط با پرونده و تأثیر بر نتیجه بررسی شوند. در مرحله پنجم، قاضی توضیح دهد که چرا با وجود اصل برائت، تردید مؤثری باقی نمانده است.

در این الگو، علم قاضی نتیجه نهایی ارزیابی ادله و معیار "فراتر از شک معقول"، آزمون کفایت آن است. بنابراین، این دو مفهوم جانشین یا متعارض نیستند. علم قاضی وضعیت نهایی اقناع دادرس را بیان می‌کند و معیار "فراتر از شک معقول" حدی را مشخص می‌سازد که این اقناع باید از آن عبور کند. هرگاه قاضی شخصا مطمئن باشد، اما نتواند تردیدهای عقلایی را بر اساس مستندات پرونده پاسخ دهد، اطمینان او برای محکومیت کافی نخواهد بود. در مقابل، هنگامی که ادله معتبر، هماهنگ و مقاوم در برابر فرضیه‌های جایگزین باشند، علم قاضی می‌تواند مبنای مشروع صدور حکم قرار گیرد.

تعیین‌کننده‌ای در محکومیت ایفا کند. این تحلیل در ارزیابی قرائن مبهمی مانند حضور متهم در محل، رابطه قبلی با بزه‌دیده یا تماس تلفنی قابل استفاده است (Melchior, 2024: 1).

۳-۳-۲- رعایت اصل برائت، قاعده درء و رفع شک معقول
دومین ضابطه، قرار دادن اصل برائت در مرکز فرایند اثبات است. دادگاه نباید از متهم بخواهد بی‌گناهی خود را اثبات کند، بلکه باید بررسی نماید آیا مقام تعقیب همه عناصر جرم را با ادله معتبر ثابت کرده است. سکوت متهم، ضعف دفاع یا رفتار نامناسب او نمی‌تواند جایگزین دلیل مثبت شود.

محقق نراقی در کتاب «مستند الشیعة فی أحكام الشریعة»، در مباحث قضا و حدود بر احتیاط در موارد فقدان دلیل روشن و بقای شبهه تأکید دارد. اعمال مجازات در شرایطی که اصل واقعه یا انتساب آن به‌طور معتبر احراز نشده باشد، با مبانی احتیاطی فقه کیفری سازگار نیست. این مبنا می‌تواند پشتوانه‌ای برای پذیرش شک معقول به‌عنوان مانع محکومیت باشد (نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۸/۱۰۸).

قاعده درء نیز باید از یک اصل کلی به آزمونی عملی تبدیل شود. دادگاه باید مشخص کند چه شبهاتی در پرونده مطرح شده‌اند، کدام یک واقعی و مرتبطاند و بر چه اساسی برطرف شده‌اند. شک معقول، هر احتمال دور و خیالی نیست، بلکه تردیدی است که از ضعف شواهد، تعارض ادله، خلأ تحقیقات یا توضیح جایگزین سازگار با واقعیات ناشی می‌شود. در صورت بقای چنین تردیدی، اعلام علم قاضی نباید برای محکومیت کافی تلقی شود.

۳-۳-۳- شفافیت و نظارت‌پذیری فرایند اثبات
سومین ضابطه، شفافیت مسیر استدلال و قابلیت نظارت بر آن است. رأی باید مسأله اصلی، ادله طرفین، اعتبار هر مستند، تعارض‌ها، پاسخ به دفاعیات و نتیجه نهایی را به‌صورت منظم بیان کند. ذکر فهرست ادله بدون تحلیل، امکان ارزیابی کفایت آن‌ها را فراهم نمی‌سازد.

برای تحقق این هدف، می‌توان ضوابطی برای ارزیابی علم قاضی تدوین کرد که قاضی را ملزم سازد به پرسش‌هایی مشخص پاسخ دهد: آیا دلیل به‌صورت مشروع تحصیل شده

درباره اصل وقوع جرم، انتساب رفتار به متهم، اعتبار ادله، عنصر روانی یا سایر عناصر مسؤولیت کیفری تردیدی عقلایی باقی باشد، صدور حکم محکومیت فاقد توجیه کافی خواهد بود.

بنابراین، فقه امامیه در کنار پذیرش علم به عنوان ابزار کشف حقیقت، ظرفیت لازم برای مقابله با محکومیت‌های مبتنی بر ظن، پیش‌داوری و ادله ناکافی را نیز در خود دارد. تحلیل معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان نیز نشان داد که این معیار، بر خلاف علم قاضی، دلیل مستقلی برای اثبات جرم نیست، بلکه استاندارد نهایی سنجش کفایت مجموعه ادله است. در این نظام، بار اثبات اصولاً بر عهده مقام تعقیب قرار دارد و متهم مکلف به اثبات بی‌گناهی خود نیست. محکومیت فقط هنگامی موجه است که مرجع تصمیم‌گیرنده، پس از بررسی جامع ادله، از مجرمیت متهم مطمئن شده و تردیدی مبتنی بر منطق، شواهد و واقعیات پرونده باقی نمانده باشد. این معیار به معنای دستیابی به یقین مطلق یا حذف تمام احتمالات خیالی نیست، بلکه سطح بالایی از اقناع عقلایی را مطالبه می‌کند که در برابر فرضیه‌های جایگزین معقول مقاومت داشته باشد. مقایسه دو معیار نشان داد که علم قاضی و "فراتر از شک معقول"، با وجود تفاوت در خاستگاه، ماهیت و جایگاه حقوقی، از حیث کارکردهای اساسی دارای اشتراک‌اند. هر دو بر لزوم اقناع عقلایی، منع محکومیت بر پایه ظن، رعایت اصل برائت و ارزیابی دقیق مجموعه ادله تأکید دارند. تفاوت اصلی آن است که علم قاضی در حقوق ایران هم به عنوان یکی از ادله اثبات و هم به عنوان نتیجه نهایی ارزیابی ادله شناخته می‌شود، در حالی که معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان صرفاً سطح لازم اثبات برای محکومیت را مشخص می‌کند.

همچنین، در ایران تصمیم درباره مسائل حقوقی و موضوعی غالباً در اختیار قاضی است، اما در برخی محاکم کیفری انگلستان، قاضی هدایت حقوقی را بر عهده دارد و هیأت منصفه درباره واقعیات و مجرمیت تصمیم می‌گیرد. بر این اساس، تطبیق این دو مفهوم نباید به معنای یکسان‌انگاری یا جایگزینی علم قاضی با معیار انگلیسی باشد. معیار "فراتر از شک معقول" می‌تواند به عنوان ضابطه‌ای تکمیلی برای سنجش کفایت علم قاضی به کار گرفته شود. در این الگو، علم قاضی

چنین الگویی با مبانی فقه امامیه نیز هماهنگ است. حجیت علم، نتیجه نهایی را توجیه می‌کند؛ اصل برائت نقطه آغاز را به نفع متهم قرار می‌دهد؛ قاعده درء بقای شبهه مؤثر را مانع مجازات می‌شمارد؛ احتیاط در دماء و اعراض، دقت ارزیابی را افزایش می‌دهد؛ و الزام به استناد، امکان نظارت بر رأی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، معیار "فراتر از شک معقول" نهادی بیگانه با فقه امامیه نیست، بلکه می‌تواند ابزاری برای عملیاتی کردن عقلانیت، احتیاط و استنادپذیری مورد تأکید فقه جزایی در ارزیابی علم قاضی باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی فقهی معیار علم قاضی و بررسی امکان تطبیق آن با معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان انجام شد. مسأله اصلی آن بود که علم قاضی، با وجود جایگاه مهم خود در فقه امامیه و نظام کیفری ایران، تحت چه شرایطی می‌تواند مبنای مشروع صدور حکم محکومیت قرار گیرد و معیار "فراتر از شک معقول" در حقوق انگلستان تا چه اندازه می‌تواند در عینی‌سازی، تحدید و نظارت‌پذیر کردن این مفهوم مؤثر باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که علم قاضی در مفهوم معتبر خود، صرف اطمینان درونی، حدس، گمان یا ظن قوی نیست، بلکه یقینی عقلایی و مستند است که از ارزیابی ادله، قرائن، امارات و اوضاع و احوال قابل اعتماد پرونده حاصل می‌شود. از این رو، شدت باور شخصی قاضی به تنهایی برای صدور حکم محکومیت کافی نیست و منشأ حصول علم، قابلیت اعتماد مستندات و ارتباط منطقی آن‌ها با عناصر جرم باید به گونه‌ای روشن در رأی بیان شود.

علم قاضی هنگامی واجد اعتبار است که مسیر شکل‌گیری آن برای طرفین، مرجع تجدیدنظر و هر ناظر حقوقی قابل فهم و ارزیابی باشد. بررسی منابع فقه امامیه نشان داد که مهم‌ترین مبانی حجیت علم قاضی، حجیت ذاتی قطع، کاشفیت علم از واقع و تکلیف قاضی به کشف حقیقت و اجرای عدالت است. با این حال، حجیت علم در مقام قضا مطلق و نامحدود نیست. اصل برائت، قاعده درء، منع حکم بر پایه ظن و اصل احتیاط در دماء، فروج و اعراض، از مهم‌ترین مبانی محدودکننده استناد به علم قاضی محسوب می‌شوند. بر اساس این قواعد، هرگاه

به صورت مستقل انجام شده است. این پژوهش با هدایت استاد محترم گروه حقوق، جناب آقای دکتر میثم نعمت‌الهی تدوین شده است.

تشکر و قدردانی: از حمایت‌های معنوی خانواده و دوستان در فرآیند نگارش این مقاله و همچنین، از اساتید و پژوهشگرانی که با آثار خود زمینه‌ساز این مطالعه شدند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی از سوی هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده است. تمامی هزینه‌های مرتبط با مطالعه توسط نویسنده تأمین شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم

- بسنده، نسیم؛ حاجی تبار فیروزجایی، حسن و فروغی‌نیا، حسین (۱۴۰۱). «تأملی بر چالش‌های اثبات خشونت‌های خانگی علیه زنان در نظام ادله اثبات کیفری». *فقه جزای تطبیقی*، ۲(۲): ۳۹-۵۱.

- توکلی، علی (۱۴۰۳). «تفاوت‌های ماهوی و کاربردی اطلاع و شهادت». *رسائل*، ۱۰(۱۱) (پیاپی ۱۲): ۷۵-۸۹.

- جوادی، سهیلا (۱۴۰۲). «اختیار قضات در ارجاع امر به کارشناسی؛ نقد رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۳ دیوان عالی کشور مورخ ۶/۷/۱۳۳۷». *نقد و تحلیل آراء قضایی*، ۲(۲): ۶۰۲-۶۱۳.

- خسروی، جواد (۱۴۰۲). «تأثیر جنسیت زنان در ادله اثبات دعوی از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۵(۳۲): ۱۶۷-۱۸۸.

- سلطانی‌فرد، جواد و موسوی، سید امید (۱۴۰۳). «تحلیل قلمروشناختی حقیقت قضایی و میزان سنجی کارآمدی آن در اثبات جرائم منافی عفت». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۴(۲) (پیاپی ۲۳): ۳۹۷-۴۱۲.

نتیجه نهایی فرایند ارزیابی و معیار "فراتر از شک معقول" آزمونی برای تشخیص اعتبار و کفایت آن است. هرگاه قاضی شخصا به مجرمیت متهم اطمینان داشته باشد، اما نتواند تردیدهای عقلایی، تعارض‌های ادله یا فرضیه‌های جایگزین را بر پایه‌ی مستندات پرونده پاسخ دهد، علم حاصل برای محکومیت کافی نخواهد بود.

الگوی پیشنهادی پژوهش بر پنج مرحله استوار است: نخست، احراز مشروعیت تحصیل، اصالت و قابلیت اعتماد ادله؛ دوم، ارزیابی مستقل قدرت اثباتی هر مستند و ارتباط آن با عناصر جرم؛ سوم، تحلیل هماهنگ مجموعه شواهد و تفکیک دلایل مستقل از دلایل وابسته؛ چهارم، بررسی فرضیه‌های جایگزین و تردیدهای عقلایی؛ و پنجم، بیان مستدل دلایل حصول علم و رفع شک در رأی قضایی. اجرای این الگو می‌تواند ضمن حفظ مبانی فقهی علم قاضی، از ذهنی‌شدن آن جلوگیری کند، اصل برائت را تقویت نماید و شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و نظارت‌پذیری آراء کیفری را افزایش دهد. در نهایت، تطبیق کارکردی علم قاضی با معیار "فراتر از شک معقول" می‌تواند زمینه ایجاد تعادل مناسب‌تری میان کشف حقیقت، اختیار قضایی و حمایت از حقوق متهم را در نظام عدالت کیفری ایران فراهم سازد.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی نگارش علمی انجام شده است. تمامی داده‌ها از منابع معتبر و عمومی جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه یا غیرمجاز استفاده نشده است. نویسنده متعهد به رعایت صداقت علمی و اجتناب از هرگونه تحریف یا سوءاستفاده از داده‌ها بوده است.

تعارض منافع: نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافی در ارتباط با نگارش این مقاله وجود ندارد. این پژوهش بدون هرگونه وابستگی مالی یا سازمانی انجام شده است.

سهم نویسندگان: این مقاله توسط اینجانب عاطفه میرزایی سورکی دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد شهرکرد نگارش شده و تمامی مراحل پژوهش، شامل طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نگارش،

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. دوازده جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، به‌ویژه کتاب القضاء، الشهادات، الإقرار و الحدود.

- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق). *فقه القضاء*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، مجلدات مربوط به قضا و شهادات.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، به‌ویژه جلد‌های چهل و چهل‌ویکم، کتاب القضاء و الشهادات.

ب. منابع انگلیسی

- Abrams, Y (2026). "Reasonable Doubt and Reasonable Priors." *Episteme*, 23(2): 546–564.

- Ambos, K & Lee, Y (2025). *Beyond a Reasonable Doubt and Intime Conviction*. In K. Ambos, A. Duff, A. Heinze, J. Roberts, & T. Weigend (Eds.), *Core Concepts in Criminal Law and Criminal Justice* (Vol. 3, pp. 263–304). Cambridge: Cambridge University Press.

- Anderson, H. S (2025). "Knowledge and Merely Predictive Evidence." *Philosophical Studies*, 182, 467–485. DOI: 10.1007/s11098-024-02266-9.

- Bown, W. C. (2022). "An Epistemic Theory of the Criminal Process, Part I: Measurement and Control." *Law, Probability and Risk*, 21(1): 43–60.

- Bown, W. C (2022). "An Epistemic Theory of the Criminal Process, Part II: Packer, Posner and Epistemic Pressure." *Law, Probability and Risk*, 21(1): 61–83.

- طاهرآبادی، یزدان (۱۴۰۳). «تأملی در ادله روایی اعتبار اسناد رسمی و عادی». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۲۵ (۳ پیاپی ۶۵): ۵۶۷–۵۹۶.

- قرایی، تکتیم؛ هدایی، علیرضا و اسحاقی، محمد (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی استنادپذیری ادله الکترونیک در فقه، با نگاهی به قانون تجارت الکترونیک ایران». *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۴ (۲): ۴۴۵–۴۶۷.

- یاغلی، آرش (۱۴۰۰). «بررسی فقهی - حقوقی تأثیر علم قاضی بر فرایند دادرسی کیفری». *تحقیقات حقوق قضایی*، ۲ (۳): ۲۵۹–۲۸۳.

- یارخانی، محسن؛ جعفری هرنندی، محمد و عارف‌نیا، طیه (۱۴۰۳). «جایگاه علم قاضی در کشف حقیقت در فقه، حقوق کیفری و رویه قضایی». *فقه جزای تطبیقی*، ۴ (۳): ۶۳–۷۵.

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۷ق). *تحریر الوسیله*. دو جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، به‌ویژه جلد دوم، کتاب‌های قضا، شهادات، حدود، قصاص و دیات.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. سی جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، به‌ویژه ابواب صفات قاضی، کیفیت حکم، شهادات، اقرار و حدود.

- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (بی‌تا). *مبانی تکملة المنهاج*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، مجلدات مربوط به قضا، شهادات، حدود، قصاص و دیات.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، مجلدات مربوط به کتاب القضاء، الشهادات، الإقرار و الحدود.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحكام فی معرفه الحلال والحرام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به‌ویژه کتاب القضاء و الشهادات.

- Clermont, K. M (2024). *A General Theory of Evidence and Proof: Forming Beliefs in Truth*. Cham: Springer.
- Ferrer Beltrán, J (2022). *Prolegomena to a Theory of Standards of Proof: The Test Case for State Liability for Undue Pre-Trial Detention*. In J. Ferrer Beltrán & C. Vázquez (Eds.), *Evidential Legal Reasoning: Crossing Civil Law and Common Law Traditions* (pp. 395–426). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ho, H. L (2021). “Justification, Excuse, and Proof beyond Reasonable Doubt.” *Philosophical Issues*, 31(1): 146–166.
- Jellema, H. (2024). “Reasonable Doubt from Unconceived Alternatives.” *Erkenntnis*, (89): 971–996.
- Jellema, H (2024). “Reasonable Doubt, Robust Evidential Probability and the Unknown.” *Criminal Law and Philosophy*, (18): 451–470.
- Melchior, G (2024). “The Sensitivity of Legal Proof.” *Synthese*, 203(5): 1-23.
- Minissale, A., & Bergman Blix, S. (2025). “Beyond a Reasonable Doubt: The Emotive-Cognitive Evaluation of Intent and Credibility.” *International Journal of Law in Context*, 21(4), 691–710.
- Moss, S (2023). “Knowledge and Legal Proof.” In T. S. Gendler, J. Hawthorne, & J. Chung (Eds.), *Oxford Studies in Epistemology* (Vol. 7, pp. 176–213). Oxford: Oxford University Press.
- Mueller, A (2024). “Legal Proof: Why Knowledge Matters and Knowing Does Not.” *Asian Journal of Philosophy*, 3(1): 1-22.
- Roberts, P & Zuckerman, A (2022). *Roberts & Zuckerman’s Criminal Evidence* (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Whiteley, J. H. L. (2024). “The Three-Verdict Problem.” *Legal Theory*, 30(2): 105–127.